

مدل نظری رابطه متقابل قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

امیرحسین الهامی (دکتری جغرافیای سیاسی، پژوهشگر توسعه، تهران، ایران)

amelhami@yahoo.com

چکیده

توسعه اقتصادی بخشی از توسعه جامع و فراگیر است که در صورت رشد پایدار و باثبات شاخص‌های رفاه اقتصادی؛ به همراه تغییرات ساختاری در آن حاصل می‌شود. ساخت قدرت سیاسی نیز حاصل تعادل و هماهنگی نسبتاً پایدار، بین عوامل فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و اجتماعی قدرت سیاسی، در قلمرو فضایی واحدهای سرزمینی است. این پژوهش از نوع بنیادی است و با روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای و پیمایش خبرگی (۵ پرسشنامه متناسب با حوزه‌های تخصصی) رابطه ساخت قدرت سیاسی با توسعه اقتصادی را بررسی کرده است. نتایج تبیین نشان می‌دهد که ساخت قدرت سیاسی در پنج بُعد فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی با توسعه به مفهوم عام و توسعه اقتصادی با مفهوم خاص آن در ارتباط است. هر یک از ابعاد مزبور دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌های ذی‌ربط هستند که مدل شمانیک آن در انتهای تحقیق رسم شده است. از بین پنج بُعد مورد ارزیابی، به ترتیب ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی بیشترین اولویت را در ارتباط ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی دارا هستند که امتیازات مربوطه در ایران بر اساس نظر خبرگان در مدل مشخص شده است.

واژه‌های کلیدی: ساخت قدرت سیاسی، توسعه اقتصادی، مدل نظری.

۱ مقدمه

در طول تاریخ، همواره سازه‌های انسانی و اجتماعی، برای بهره‌مندی از منابع موجود در محیط جغرافیایی، ترتیبات و سازه‌های سیاسی و حکمروایی را سامان داده‌اند؛ به گونه‌ای که پیشرفت و توسعه اجتماعات در سطوح مختلف -از بدوی تا توسعه‌یافته و مدرن- تابع کیفیت سازمان‌یابی بهینه و توسعه‌گرای سیاسی، متناسب با الزامات و اقتضائات فضایی (جغرافیایی) و اجتماعی (در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ...) جوامع بوده است (Hafeznia &

Ghaderi-e-Hajat & Ahmadyur, 2010: 269). به دلیل ارتباط پیچیده و درهم آمیختگی سه لایه سازه جغرافیایی، سازه اجتماعی و سازه مدیریتی-سیاسی جوامع و نیز هدف بنیادین همه جوامع، برای توسعه همه جانبه، لاجرم موضوعات «توسعه» و «ساخت قدرت سیاسی» در حوزه مطالعات رشته جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد (Hafznyi & Kaviyani-e-rad, 2014: 164).

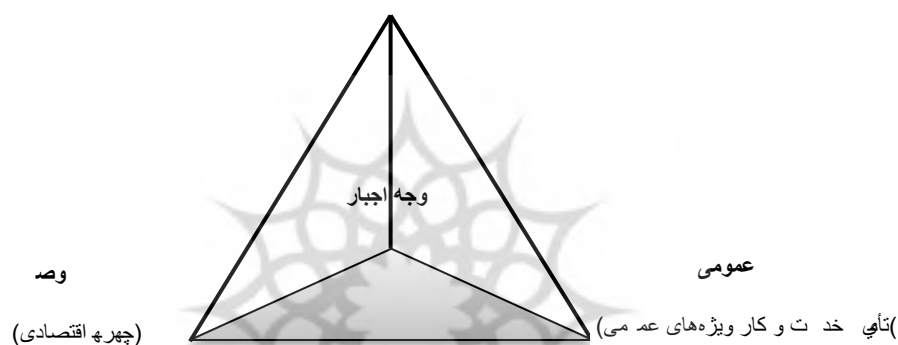
توسعه و معانی مرتبط با آن همچون پیشرفت، رشد و ترقی از جمله مفاهیمی هستند که فضای فکری و گفتمانی جوامع را در دوره معاصر به خود معطوف داشته‌اند. نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی، همواره درصدد توجیه اهداف و سیاست‌های خود، مطابق با نیازهای توسعه‌ای جوامع و توسعه‌گرا نمایاندن برنامه‌های خود هستند؛ تا جایی که امروزه درجه و اندازه توسعه‌یافتگی به معیاری مورد توافق برای تفکیک کشورها و بازیگران واحدهای سیاسی تبدیل شده است. اگرچه پیش‌تر شاخص‌های کمی-تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی و سپس درآمد سرانه بالا- به‌عنوان ملاک توسعه و پیشرفت کشورها تلقی می‌شد، اما امروزه توسعه بیانگر مفهومی فراگیر، جامع، پایدار و باثبات بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی زندگی جوامع است.

توسعه‌یافتگی از دو بخش کلان تشکیل می‌شود: اصول ثابت و الگوهای متفاوت، به تناسب شرایط گوناگون کشورها، اصول ثابت در توسعه‌یافتگی عبارت‌اند از دولت حداقلی، صنعتی شدن، توجه فراگیر به علم و عقلانیت، سیاست خارجی مدافع اقتصاد ملی، بخش خصوصی فعال، نظام آموزشی کاربردی، حاکمیت کارآمدی در تمام سطوح نظام اجتماعی، نخبگان ابزاری منسجم، مردم پرکار و مسئولیت‌پذیر، دولت پاسخگو و ... الگوهای توسعه نیز به تناسب وضعیت و شرایط جغرافیایی و اجتماعی کشورها، مستلزم بومی‌سازی و تغییر است (Sariolghalam, 2015: 15- 16).

تفاوت رشد با توسعه اقتصادی در این است که رشد اقتصادی بار معنایی گسترش‌های کمی در متغیرهای اقتصادی، به‌ویژه درآمد کل و درآمد سرانه را دارد، ولی توسعه اقتصادی به‌منزله فراگردی است که نه تنها گسترش‌های کمی، بلکه تغییرات در عوامل غیر کمی [کیفی] مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ حاکم بر این تحولات را نیز دربر می‌گیرد (Hayami & Godo, 2005: 30).

قدرت سیاسی^۱ مبنای سازمان دولت و حکومت است که از تفکیک فرمانروایان و فرمان‌بران ایجاد می‌شود و فرد یا گروه واجد آن، توان تأثیرگذاری و کنترل زندگی سایر افراد و گروه‌ها را دارد (Abolhamd, 2004: 72). در جوامع مدرن، دولت عالی‌ترین وجهه رابطه قدرت و حاکمیت است و در تفسیرهای متأخر، کارویژه تأمین رفاه و آسایش را بر عهده دارد (Bashirieh, 2007: 27). برآیند کنش بازیگران در «ساخت قدرت سیاسی» در چهار وجه یا چهره اصلی دولت بروز و ظهور می‌یابد (شکل شماره ۱):

وجه ایند لژک



شکل شماره (۱): وجوه چهارگانه ساخت دولت [قدرت سیاسی]

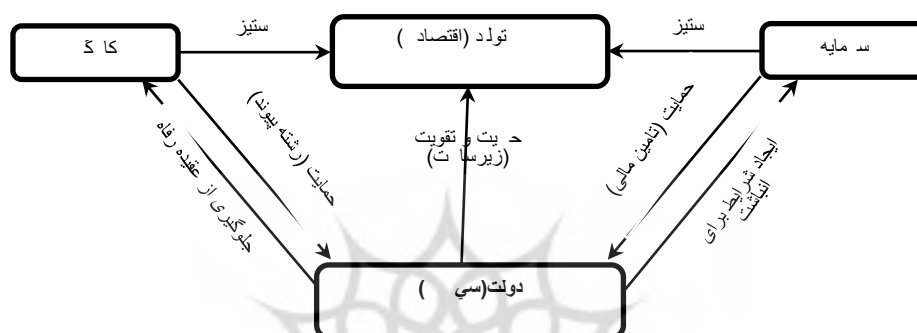
(Bashirieh, 2007: 100)

ساختارها^۲ چگونگی توزیع قدرت در جامعه را منعکس می‌کنند (Mossalanejad, 2013: Introduction). در یک ساختار سیاسی متناسب با فرایند توسعه، باید دو ویژگی اساسی موجود باشد: نخست ضرورت تمایل به نوگرایی و دیگری ضرورت توان حفظ ثبات نسبی. برای ارزیابی ظرفیت ساختار سیاسی و وجود ویژگی‌های مزبور، باید به ماهیت اجتماعی

^۱. Political Power

^۲. Structures

حکومت توجه کنیم، شکل و صورت دولت را ببینیم و مرحله و مقطع ویژه گذار تاریخی کشور را مطالعه کنیم (Academic Jihad of economics Faculty, Tehran Uni, 2002: 50). در مدل ویدر (شکل شماره ۲)، روابط متقابل زیرنظام سیاسی (دولت) با زیرنظام اقتصادی و عوامل اصلی آن در ساختار جامعه تحلیل شده است.



شکل شماره ۲ (ملا: مادی از لادلا از: لالارک ویدر (Shakuie, 2008: 180))

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های نهادی «ساخت^۱ قدرت سیاسی» را می‌توان، اصلی‌ترین عوامل مؤثر در بروز پدیده‌های اجتماعی، از جمله توسعه اقتصادی دانست و تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی کشورها، بیانگر کنش متقابل ساخت قدرت سیاسی و امر توسعه بوده است (Finan & Martinez-Bravo, 2020: 1).

در طول حدود دو قرن تجربه توسعه در ایران، نظرات متعددی برای تبیین علل عقب‌ماندگی اقتصادی ایران ارائه شده است؛ از یک سو، نظرات غایت‌انگارانه برگرفته از اقتصاد جریان قالب که الگوی غربی را تنها راه ممکن برای توسعه می‌دانند از سوی بسیاری در ایران شکست‌خورده تلقی می‌شود. آنان، نه تنها توسعه اقتصادی سرمایه‌داری را الگویی مطلوب برای جامعه ایرانی نمی‌دانند، بلکه مفروضات توسعه‌ای این نظریه‌ها را نوعی انحراف بنیادی در تکامل فردی و اجتماعی انسان قلمداد کرده، با رویکردی ایدئولوژیک، بنیادهای هستی‌شناختی

^۱. Construct

و معرفت‌شناختی آن را نیز زیر سؤال می‌برند. از سوی دیگر، با وجود اهتمام برخی نظریه‌پردازان ایرانی در بهره‌گیری از رویکردهای دولت توسعه‌گرا و مقتدر، پیشینه پیگیری دموکراسی و توسعه سیاسی در ایران، سبب شده تا این رویکرد که توسعه اقتصادی آمرانه و دولت‌محور را راه‌کار اصلی توسعه اقتصادی می‌داند، از مطلوبیت زیادی نداشته باشد (Elhami & Hafeznia & Faraji-e-Rad, 2016:136).

بر این اساس، مسأله اصلی این پژوهش، تبیین مدلی نظری دربارهٔ وجوه نظری ارتباط ساخت قدرت سیاسی با توسعه اقتصادی است؛ که ناتوانی رویکردهای موجود، بازتاب فقدان کارایی آنها در ارتباط با تبیین این رابطه است.

درباره اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌توان گفت احصاء و تعریف و ارزیابی رابطه متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق، می‌تواند نقش و کارکرد یکی از مهم‌ترین موانع دیرپای توسعه نیافتگی، یعنی ساخت قدرت سیاسی در ایران را تبیین کند. لذا در این تحقیق رابطه ساخت قدرت سیاسی در پنج بُعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و جغرافیایی با توسعه اقتصادی ارزیابی و تحلیل شده است.

۲ پیشینه پژوهش

با وجود تعدد مطالعات و تحقیقات مرتبط با توسعه اقتصادی، صورت‌بندی بومی از مفهوم توسعه در رابطه با ساخت قدرت سیاسی ارائه نشده است. بیشتر تحقیقات با رویکرد تطبیقی، شاخص‌های توسعه اقتصادی متداول غربی و کشورهای مختلف را در مقایسه با ایران بررسی کرده‌اند. محمدتقی دلفروز، در رساله‌ای با عنوان «بررسی شرایط دولت توسعه‌گرا: مقایسه ایران و نمونه‌های موفق شرق و جنوب شرقی آسیا» (۱۳۹۱)، با توجه به دخالت‌گرایی شدید دولت در اقتصاد و وجود مشابهت‌هایی در الگوی تعامل دولت و جامعه در ایران و کشورهای مورد مطالعه وجود دارد، به بررسی نقش عواملی چون ساخت نظام سیاسی، نگرش نخبگان سیاسی، ویژگی‌های نظام بوروکراتیک، رابطه دولت با طبقات اجتماعی و وضعیت اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر فرایند توسعه اقتصادی کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا و ایران پس از انقلاب پرداخته است و چنین نتیجه می‌گیرد که در کشورهایی چون کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و تا حدی کمتر مالزی، اجماع نخبگان سیاسی بر هدف توسعه اقتصادی، ساخت

یکپارچه دولت، رابطه تولیدمحور میان دولت و طبقات اجتماعی، دیوان‌سالاری حرفه‌ای و شایسته‌سالار، وجود یک جامعه مدنی ضعیف یا تضعیف‌شده و بالاخره شرایط مساعد و تکرار نشدنی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم به رشد و توسعه اقتصادی پایدار کمک نمود؛ اما در ایران پس از انقلاب ویژگی‌هایی چون ساخت متکثر و پراکنده قدرت، دموکراسی انتخاباتی، تغییرات گفتمانی پی‌درپی در سطح دولت و نخبگان، رابطه رانتی دولت با طبقات و شرایط نامساعد بین‌المللی به‌کند شدن فرایند توسعه اقتصادی انجامیده است البته باید با تقلید و اقتباس الگوهای توسعه با احتیاط بیشتری برخورد نمود.

هدی زبیری در رساله‌ای با عنوان «نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی» (۱۳۹۲)، با ترکیب دو مفهوم اقتصاد و اجتماع، به توسعه اقتصادی را از کانال انسجام اجتماعی ریشه‌یابی کرده و به این نتیجه رسیده است که از موانع اصلی توسعه در ایران، موضوع سرمایه نازل اجتماعی است.

مسعود چلبی و غلامرضا عظیمی، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی-تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۹۲۰-۱۸۰۰)» (۱۳۸۶)، به بررسی رابطه تحولات سیاسی با اولین نوسازی (اقتصادی) در سه کشور ایران، چین و ژاپن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد وجود ساختار سیاسی فئودالی در جامعه ژاپن قبل از انقلاب میجی، امکان شکل‌گیری طبقات مختلف را به وجود آورد در نتیجه در هنگام برخورد این جامعه با نظام جهانی یکی از طبقات بالا (سامورایی‌ها) از بدنه قدرت جدا شده و نوسازی را آغاز ساختند در مقابل ساختار پاتریمونیالی قدرت در ایران و چین اجازه شکل‌گیری هیچ طبقه یک‌دست و متحد را نداد. در نتیجه در قرن ۱۹ با برخورد این دو جامعه با نظام جهانی و با ضعف ساختار متمرکز قدرت تمام گروه‌های مختلف با خواسته‌های متفاوت وارد عرصه عمومی جامعه شدند. در نتیجه دو انقلاب مشروطه و ۱۹۱۱ چین به آشوب و بی‌نظمی منجر شد.

عباس مصلی‌نژاد و سمانه اکبری در مقاله‌ای با عنوان «نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر» (۱۳۹۱)، رشد و توسعه اقتصادی پرشتاب در کشور ترکیه از منظر ارتباط ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی ارزیابی کرده‌اند. یافته پژوهش نشان می‌دهد

که در این کشور طی سه دهه اخیر دولت توسعه‌گرا شکل گرفته و این دولت در هماهنگی با بخش خصوصی، رشد و توسعه اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورده است. ریچارد فیوک و جین هون کیم در مقاله‌ای با عنوان «فرم دولت، سازمان اداری و سیاست‌های توسعه اقتصاد محلی»^۱ (۲۰۰۱) به بررسی روابط فی‌مابین کفایت اداری و سیاسی انواع دولت‌ها و رابطه آن با سیاست‌های توسعه اقتصاد محلی پرداخته‌اند و رابطه آنها را معنادار و واجد اولویت دانسته‌اند.

پریا و تیلز در مقاله‌ای با عنوان «نهادهای سیاسی، رشد اقتصادی و دموکراسی؛ تأثیرات نهادی»^۲ (۲۰۱۱) به تأثیرات نهادی متقابل شاخص‌های دموکراسی با توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر تأثیر حائز اهمیت نهادهای فراگیر برآمده از دموکراسی بر توسعه اقتصادی است.

در پژوهشی توسط آدامز در دانشگاه نیویورک با عنوان «دموکراسی و توسعه اقتصادی»^۳ (۲۰۱۲) روابط متقابل توسعه اقتصادی و دموکراسی تحلیل و ارزیابی شده است. همچنین مطالعه آندریو و همکاران با عنوان «رهبری و توسعه اقتصادی منطقه‌ای: چارچوبی برای تجزیه و تحلیل بین منطقه‌ای» بیانگر نقش کلیدی عناصر اصلی رهبری سیاسی در توسعه منطقه‌ای و چشم‌انداز توسعه یا انحطاط منطقه‌ای است (Andrew, 2019: 171).

چنانکه ملاحظه می‌شود در مطالعه و بررسی تحقیقاتی که درباره موضوع تحقیق و متغیرهای آن انجام شده‌اند، تحقیقی که دقیقاً متغیرهای اصلی (ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی) را بررسی کرده باشد، دیده نشد.

۳ روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات بنیادی است که برای تبیین ارتباط و طراحی مدل ارتباط ابعاد فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی ساخت قدرت سیاسی با توسعه اقتصادی، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، منابع

^۱. "Form of Government, Administrative Organization, and Local Economic Development Policy"

^۲. "Political Institutions, Economic Growth, and Democracy: The Substitute Effect"

^۳. "Democracy and Economic Development"

کتابخانه‌ای و اسنادی با ابزار فیش‌برداری و داده‌ها و اطلاعات پیمایش نیز با ابزار پرسشنامه خبرگی جمع‌آوری شده است. چنانکه، ابتدا عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار هر یک از ابعاد ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای احصاء شده و از طریق پرسشنامه از اساتید متخصص (حضوری) (اعضای هیئت عملی دانشگاه‌های دولتی در گروه-های تخصصی مرتبط با روش گلوله‌برفی و خبرگی) در هر حوزه تخصصی (حوزه‌های شش-گانه) اعتباریابی شده و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار (Mini Tab) عوامل و مؤلفه‌های اصلی و روابط آنها تبیین شده است و در نهایت مدل نظری ارتباط آنها طراحی و تدوین شده است. متخصص به افرادی اطلاق می‌گردد که در این ارتباط دارای تألیفات یا مقالات علمی و مدرس دروس مرتبط با توسعه اقتصادی در دانشگاه‌های مزبور باشند.

جدول شماره (۱): حجم نمونه آماری

تعداد خبرگان	بُعد
۳۵ نفر	بعد فرهنگی ساخت قدرت سیاسی
۲۵ نفر	بعد اقتصادی ساخت قدرت سیاسی
۳۰ نفر	بعد جغرافیایی ساخت قدرت سیاسی
۲۷ نفر	بعد تاریخی ساخت قدرت سیاسی
۳۵ نفر	بعد اجتماعی ساخت قدرت سیاسی

برای تعیین روایی ابزار پرسشنامه از سه تکنیک سنجش روایی استفاده شده است: روایی صوری بررسی شکلی و ظاهری پرسشنامه؛ روایی محتوایی از طریق اعتبارسنجی و ضریب لاوشه و روایی نهایی یا روایی سازه که با پرسشنامه سنجش انجام شده و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی انجام شده است. پایایی ابزار اندازه‌گیری از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده است. حد قابل قبول برای این شاخص برابر با $0/6$ است و بر اساس این مقدار نتایج پایایی آورده شده؛ اگرچه بسیاری از متون آماری حد قابل قبول این شاخص را برابر با $0/7$ می‌دانند. نتایج شاخص‌های پایایی، به تفکیک مؤلفه‌های ابعاد نشان می‌دهد که به دلیل اینکه نمره ضرایب پایایی همه مؤلفه‌ها بالاتر از $0/6$ است، لذا پایایی تمام پرسشنامه‌ها تأیید می‌شوند.

۴ یافته‌ها و تجزیه و تحلیل ارتباط ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

۴-۱ رابطه بُعد فرهنگی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

شکل و محتوای نظام حکمرانی در هر کشور، با خصصت‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی مردم آن و نحوه نگرش تاریخی آنان با کیفیت ساخت قدرت سیاسی ارتباط دارد (Balavi & Bayat, 2014: 290). همچنین نشانه‌های فرهنگ سیاسی، هویت و گفتمان‌های سیاسی اهمیت تعیین‌کننده‌ای در تنظیم روابط اجتماعی و ترتیبات اقتصادی دارد (Mossalanejad, 2013: 5). از نظر آدام اسمیت، «عادات و رسوم» تعیین‌کننده نیازها هستند و پدیده‌های فرهنگی یا اجتماعی دیرینه و عمیق، محرک‌های نخستین توسعه اقتصادی هستند (Nazarpour, 2007: 12).

نظریه‌هایی که توسعه و موقعیت اقتصادی را به فرهنگ نسبت می‌دهند از مقبولیت عام برخوردارند (Hagt, 1989: 429). بر این اساس، فرهنگ از طریق تأثیر بر کنش‌های فردی و اجتماعی، بر عوامل تولید - خصوصاً عامل انسانی تولید - تأثیر به‌سزایی می‌گذارد و بنابراین بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع مؤثر است (Todaro, 2011: 10). توسعه اقتصادی بدون ملزومات و بسترهای فرهنگی لازم صورت نمی‌گیرد. حرکت جامعه به سمت توسعه زمانی میسر است که منظومه فرهنگی آن جامعه هماهنگ و همسو باشد (Motevasseli, 2019: 90). عوامل فرهنگی نحوه نگرش به علم و دانش و بهره‌وری از عوامل تولید را برای جامعه و ساخت قدرت تعیین می‌کنند. این نگرش اساس رفتارهای توسعه‌ای یا ضد توسعه‌ای در جامعه تلقی می‌گردد. مؤلفه‌های فرهنگی که بر ساخت قدرت سیاسی تأثیر می‌گذارند و بازتاب‌های توسعه‌ای ساخت قدرت نیز متأثر از آنهاست، عبارت‌اند از میراث و سنن فرهنگی، دین و مذهب، هنجارها، ارزش‌ها و وجدانیات اجتماعی، عنصر سیاسی فرهنگ، رفتار و خلقیات اجتماعی (جدول شماره ۲).

جدول ۲: مؤلفه‌ها و شاخص‌های رابطه بُعد فرهنگی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

(برآمده از مطالعه نظری و تحلیل پرسشنامه حوزه فرهنگی)

مؤلفه‌ها	شاخص	مؤلفه‌ها	شاخص
میراث و سنن فرهنگی	میراث ادبی و زبانی	رفتار و خلقیات اجتماعی	فرهنگ ابهام و تعارفات نمادین
	گسست و تعارضات فرهنگی		فردگرایی منفی (منفعت‌طلبی)
	نباشت فرهنگی		فقدان فرهنگ نقد سازنده و نقد ناپذیری
	تأخر فرهنگی در ورود تکنولوژی		اعتماد متقابل در روابط
دین و مذهب	جهانبینی	شفافیت رفتاری و پرهیز از رفتار نمادین	نوع نگاه به نوگرایی و تجدد

مؤلفه‌ها	شاخص	مؤلفه‌ها	شاخص
مؤلفه‌ها	نگرش معقول و مطلوب به دنیا	مؤلفه‌ها	ثبات فکری و رفتاری (پایداری رفتاری و فکری)
	قداست حکومت		گریز از قاعده‌مندی و قانون‌گرایی (فقدان رفتار قاعده‌مند و پایدار)
	تقدیرگرایی		انطباق‌پذیری و انعطاف فرهنگی
	موعودگرایی		ایدئال‌گرایی
عنصر سیاسی فرهنگ	فرهنگ سیاسی	فرهنگ اقتصادی	احترام به حقوق مالکیت (مادی و معنوی)
	یدئولوژی سیاسی حاکم		اعتقاد به توسعه
	سیاست فرهنگی حکومت		قناعت
	استراتژی فرهنگی		فرهنگ پس‌انداز و انباشت ثروت
	وابستگی فرهنگی		رعایت الگوی مصرف
	ساور فرهنگی به برابری انسان‌ها		الگوی سرمایه‌گذاری (تولید یا تجارت)
	عنصر دیگری		وجدان کاری
	نفوذ و تهاجم فرهنگی		مسئولیت‌پذیری اجتماعی
	فرهنگ تساهل یا تحمل رقیب (حذف)		احترام به حقوق متقابل
	آزادی اندیشه و بیان		عقل‌گرایی

۴-۲ رابطه بعد اقتصادی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

در نظرات متقدمین اقتصاد توسعه، از متغیر ساخت قدرت سیاسی، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده رشد و تداوم آن یاد شده است (Kurz, et.al: 1998: 8 - 22). وبر نیز جدا کردن اقدام اقتصادی از اقدام سیاسی را ناممکن می‌داند به‌طوری‌که می‌توان گفت طرح‌های اقتصادی هر رژیم بخشی از طرح‌های سیاسی آن است و سیاست‌های پولی و مالی عمدتاً سیاسی هستند تا اقتصادی و هر اقدامی برای تغییر ساختارهای تولید، توزیع و باز توزیع ثروت، دارای بازتاب‌های سیاسی قلمداد شده است (Kordzadeh, 2001: 36). تعیین سیاست‌های اقتصادی ساخت قدرت، تابع الگوی توزیع قدرت اقتصادی بین بازار و دولت و

نیز جریان و نیروهای اقتصادی مجامع و رویه‌های بین‌المللی اقتصاد است (Nobakht, 2014: 93).

نظام سیاسی از طریق هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های اقتصادی، امور اقتصادی جامعه و توسعه اقتصادی آن را مدیریت و راهبری می‌کند؛ بنابراین سیاست‌های اقتصادی، واسط میان ساخت قدرت سیاسی و نظام اقتصادی جامعه هستند. در جدول شماره (۳)، مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی در مؤلفه‌های هشت‌گانه اقتصاد ملی که در روابط فی‌مابین بُعد اقتصادی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی دخیل هستند ذکر شده‌اند.

جدول شماره (۳): مؤلفه‌ها و شاخص‌های رابطه بُعد اقتصادی ساخت قدرت سیاسی و توسعه

اقتصادی (برآمده از مطالعه نظری و تحلیل پرسشنامه حوزه اقتصادی)

مؤلفه‌ها	شاخص	منبع
ساخت اقتصاد کلان	تولید ناخالص داخلی (GDP)	(Economist, 2008: 41-43)
	درآمد ملی سرانه (PNI)	(Nobakht, 2014: 133)
	رشد اقتصادی	(Nobakht, 2014: 47) و (Amini, 2008: 31)
سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه	تشکیل سرمایه ثابت به تفکیک بخش عمومی و خصوصی	(Amini, 2008: 50)
	ریسک اصلاح قراردادها	(Amini, 2008: 58)
	نسبت ارزش جاری بازار سهام به (GDP)	(Nobakht, 2014: 46)
سطح قیمت‌ها و نرخ ارز	تورم	(Nobakht, 2014: 45) و (Amini, 2008: 80)
	نرخ ارز	(Mankiw, 2019: 91)
بودجه و برنامه‌های مالی دولت	اندازه دولت	(Bazmohammadi & Cheshmi, 2007: 13) و (Stutely, 1992: 5)
	ترکیب درآمدهای عمومی بودجه دولت	(Amini, 2008: 93)
	نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	(Amini, 2008: 97)
	نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی	(Amini, 2008: 103)
بازرگانی خارجی و پرداخت‌ها	حمایت اسمی تعرفه‌ای	(Mojtahed & Farzin, 2000: 88) و (Amini, 2008: 109)
	تراز تجاری، تراز تجاری کلایی	(Economist, 2008: 190)
	وضعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP)	(Economist, 2008: 199)

منبع	شاخص	مؤلفه‌ها
(World Investment Report UNCTAD, 2012)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)	
(Amini, 2008: 120)	شاخص رشد پایه پولی	بانک داری و
(Amini, 2008: 123)	شاخص رشد نقدینگی	سیاست‌های
(Nobakht, 2014: 69)	شاخص نرخ بهره (مرکب)	پولی و
(Nobakht, 2014: 49)	میزان بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی	اعتباری
(Amini, 2008: 134)	ارزش فروش سهام شرکت‌های دولتی در بورس	خصوصی
(Amini, 2008: 135)	سهم بودجه‌ای شرکت‌های دولتی	سازی
(World Data Bank, 2015)	ثبات سیاسی و نبود خشونت	امنیت اقتصادی
(Amini, 2008: 176)	ثربخشی دولت	
(Worldwide Governance Indicators, 2016)	کنترل فساد	
(Amini, 2008: 177)	حاکمیت قانون	
(World Data Bank, 2015)	مشارکت عمومی و پاسخگویی	
(Ifo Business Climate Index, 2016)	محیط کسب‌وکار	

۴-۳ بُعد جغرافیایی رابطه ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

ویژگی‌های انسانی و طبیعی فضای جغرافیایی، تأثیر به‌سزایی در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی دارند. در این بین، رابطه بین وجوه جغرافیایی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی، همواره یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در تحلیل‌های جغرافیایی در کانون توجه مکاتب اصلی علم جغرافیا بوده است. لازم است تا در تحلیل‌های جغرافیایی، بیش از هر چیز، روی دو رابطه علی تأکید شود؛ نخست، نیروهای سیاسی و سپس نظام‌های اقتصادی (Shakuie, 2008: 160). اهمیت مفاهیمی مانند توسعه پایداری یا تاب‌آوری در توسعه اقتصادی، ناشی از الزاماتی است که ظرفیت‌های محدود و اجباری جغرافیا بر سر راه توسعه قرار می‌دهد و آن را مقید به شرایطی می‌کند که ادامه توسعه برای نسل‌های آتی وابسته به رعایت آنهاست (Hafzniya & Kaviyani-e-rad, 2014: 164).

از مهم‌ترین نماگرهای ساخت قدرت سیاسی در جامعه، بعد توزیع فضایی قدرت سیاسی است. حلقه اتصال ارتباط عوامل جغرافیایی ساخت قدرت سیاسی با توسعه اقتصادی در قلمروهای سرزمینی، موضوع سازمان‌دهی سیاسی فضا است. هدف بنیادین سازمان‌دهی سیاسی فضا، تداوم‌بخشی به همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی در چهارچوب مناسبات قدرت است تا فرایند توسعه اجرا شود و تحکیم یابد؛ بنابراین سازمان‌دهی سیاسی فضا، رکن اصلی ارتباط ساخت قدرت سیاسی و الگوی فضایی نظام اجتماعی تلقی می‌شود (Hafzniya & Kaviyani-e-rad, 2014: 218). به‌عنوان نتیجه بررسی ارتباط نظری بُعد جغرافیایی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی می‌توان گفت:

- ۱- عناصری از مؤلفه‌های جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، جغرافیای انسانی (اجتماع و فرهنگ)، زیست‌بوم و جغرافیای اقتصادی، ارتباط متقابلی با ساخت قدرت سیاسی جامعه به‌صورت عام و دولت/حکومت به‌صورت خاص دارند؛
- ۲- حکومت، برای بهره‌گیری از امکانات طبیعی و انسانی فضای جغرافیایی، به سازمان‌دهی و مدیریت سیاسی فضای سرزمینی، می‌پردازد؛
- ۳- در صورت برخورداری سازمان‌دهی سیاسی فضا از تناسب، سازمان و کارآمدی ساختاری و عملکردی، امکانات و ظرفیت‌های انسانی و طبیعی فضای جغرافیایی توسعه پیدا می‌کنند، در غیر این صورت عقب‌ماندگی و فقر در فضای جغرافیایی تداوم می‌یابد. بر اساس مفاهیمی که به‌عنوان نقطه عزیمت نظریات و مکاتب جغرافیایی به موضوع تحقیق قلمداد می‌شوند، مهم‌ترین مؤلفه‌های بُعد جغرافیایی ساخت قدرت سیاسی که با توسعه اقتصادی ارتباط دارند در جدول (۴) ذکر شده‌اند.

جدول شماره (۴): مؤلفه‌ها و شاخص‌های رابطه بعد جغرافیایی ساخت قدرت سیاسی و توسعه

اقتصادی (برآمده از مطالعه نظری و تحلیل پرسشنامه حوزه جغرافیایی)

مؤلفه‌ها	شاخص	مؤلفه‌ها	شاخص
جغرافیای سیاسی	سازمان‌دهی سیاسی فضا (دیدگاه نظام)	جغرافیای	«تعداد جمعیت کشور»
	درباره الگوی توزیع فضایی قدرت سیاسی)	انسانی (اجتماع	«میزان رشد جمعیت»
	کارکرد و ویژگی‌های «کانون سیاسی»	و فرهنگ)	«تراکم جمعیت»

مؤلفه‌ها	شاخص	مؤلفه‌ها	شاخص
	«نیروهای مرکزگرا»		الگوی پخش جمعیت از حیث بنیادهای زیستی
	«نیروهای مرکزگریز»		الگوی پخش جمعیت از حیث فرصت‌های اقتصادی
	«نوع نظام سیاسی (متکثر یا اقتدارگرا)»		«تقدس مکانی / مکان‌های معنوی»
	الگوی نظام سیاسی از حیث تک ساخت/فدرال		«مهاجرت»
	سطح و عمق «ضریب حاکمیت ملی»		«نسبت جمعیت شهر به روستا»
ژئوپلیتیک	کیفیت و کارکرد «عامل مرز»	جغرافیای اقتصادی	کیفیت و نحوه بهره‌برداری از بنیان‌های زیستی شبکه‌های ارتباطی (راه، راه‌آهن، بزرگراه و جز آن)
	«موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی»		«عامل فاصله و موانع جغرافیایی»
	«وسعت کشور»		«منابع معدنی و کانی»
	«شکل هندسی کشور»		«الگوی کاربری زمین»
	«توپوگرافی»		کیفیت «منابع انسانی»
	«ژئوپلیتیک سرمایه (موضوع مرکز/پیرامون)»		کیفیت «تقسیم فضایی کار»
	«وزن ژئوپلیتیکی در محیط منطقه‌ای و جهانی»		امکان و اختیارات انجام «ابتکارات محلی»
	«استراتژی ملی (کد ژئوپلیتیکی)»		
	الگوی استقرار و بهره‌برداری از «شبکه آب‌ها»		

۴-۴ بُعد تاریخی رابطه ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

تاریخ‌مندی امر توسعه، ضرورت نگرش تاریخی به این مقوله و کاربرد روش‌های تاریخی، برای شناخت آن را ضروری می‌سازد (Delavari, 2006: 19). ساختار سیاسی هر کشور بدون توجه به مؤلفه‌های تاریخی و نهادی قابل تحلیل نیست و به‌طورکلی، قدرت سیاسی در مقاطع زمانی مختلف بازتولید می‌شود (Mossalanejad, 2003: 23). نهادهای فراگیر که عامل اصلی توسعه جوامع هستند، در خلال برهه‌های سرنوشت‌ساز تاریخی شکل می‌گیرند. نتیجه این مقاطع، هیچ‌گاه قطعی نیست و تابع مسیرهای تاریخی نامقدر است و مشخصه فراگرد توسعه پویا حالت «عدم قطعیت آینده» است. تلاقی برخی شرایط و بسترهای مطلوب

در یک برهه تاریخی می‌تواند نهادهای فراگیر را در جامعه‌ای ایجاد کند (Hayami & Godo, 2005: 264).

مارکس ضعف مالکیت خصوصی و کم‌رمتی تضادهای اجتماعی را به‌عنوان علت رکود و کندی تحولات اجتماعی در جوامع آسیایی می‌داند. ویتفولگ بر نقش و تأثیر کمبود آب در شکل‌گیری بوروکراسی‌های کشاورزی و نظام‌های سیاسی استبدادی این جوامع تأکید می‌کند. بارینگتون مور تفاوت در تجربیات نوسازی توسعه در جوامع مورد بررسی خود را به تفاوت در ساختارها و فرایندهای اقتصادی و اجتماعی آنها، به‌ویژه نظام زمین‌داری، تجاری شدن کشاورزی و انباشت سرمایه صنعتی نسبت می‌دهد (Moore, 2019: 45). به تأثیر عوامل خارجی بر روند توسعه نیز، از سوی طرفداران دیدگاه موسوم به «وابستگی» اشاره شده است. وابستگی مانع مهمی بر سر راه توسعه درون‌زا، مستقل و متعادل در جوامع بوده است. در این دیدگاه، آنچه تحت عنوان برنامه‌های توسعه به اجرا درآمده، چیزی جز تعمیق عقب‌ماندگی نبوده.

بر پایه بحث منطقی تقدّم و اولویت «فرایند» بر «فرم» (Shakuie, 2008: 120)، مؤلفه‌های بُعد تاریخی بدین گونه در نظر گرفته شده‌اند: بسترها و زمینه‌های تاریخی، عوامل بنیادین و علی تاریخی، عوامل مداخله‌گر (در قالب عوامل پیش‌ران و مقوم؛ و موانع و چالش‌های تاریخی) و پیامدها و نتایج تاریخی (جدول شماره ۵). در چارچوب بندی ارتباط بُعد تاریخی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی می‌توان گفت در «بستری تاریخی»، «عوامل و محرک‌هایی»، تحت تأثیر برخی «عوامل مداخله‌گر»، منجر به بروز برخی «پیامدهای تاریخی» می‌شوند؛ این پیامدها یا در راستای توسعه است و یا منجر به عقب‌ماندگی اقتصادی می‌شوند و این فرایند در گذر زمان در جامعه بازتولید می‌گردد.

جدول شماره (۵): مؤلفه‌ها و شاخص‌های رابطه بُعد تاریخی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی (برآمده از مطالعه نظری و تحلیل پرسشنامه حوزه تاریخی)

شاخص	مؤلفه‌ها	بُعد	ساخت قدرت سیاسی
الگوی استقرار منابع آبی و در نتیجه وضعیت ارتباطات اجتماعات (جغرافیای تاریخی)	بسترها و زمین‌ها	بُعد تاریخی (تاریخ)	ساخت قدرت سیاسی
میزان همبستگی تاریخی حکومت و جامعه (تضاد دولت و ملت)			
بُعد فزاینده حکومت یا حق الهی حکومت			
عوامل ناامنی یا امنیت زای تاریخی			
الگوی تاریخی نهاد سیاسی	بنیادین و عالی		
سابقه استبداد و فرد-محوری (اتکای قدرت و ثبات سیاسی به شخص به‌جای ساختار/سیستم)			
وضعیت خودآگاهی و بازانندیشی تاریخی	موانع/پیش‌ران‌ها		
موانع/پیش‌ران‌ها: دخالت عوامل خارجی (استعمار یا نفوذ بیگانگان)			
تأثیر تاریخی سنن سیاسی وارداتی (مکاتب دینی جدید یا سنن لیبرالیستی و مارکسیستی)	پیامدها و نتایج		
نقاط عطف/برهه‌های سرنوشت‌ساز (انقلاب‌ها، جنگ‌ها و سایر حوادث مهم تاریخی)			
ساختارهای مالکیت خصوصی (نظام تاریخی انباشت سرمایه)			
وضعیت پایداری اجتماعی و طول زمانی چشم‌اندازها			
ضرورت شکل‌گیری هسته مرکزی اقتدار (بازآفرینی مرکزیت قدرت در ساختار سیاسی)			
وضعیت نظام حقوقی و قضایی مستقل			

۴-۵ بُعد اجتماعی رابطه ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

تلفیق صحیح و کارآمد اجتماع، بازار و دولت برای برانگیختن رشد اقتصادی، اهمیت بالایی در اقتصاد توسعه دارد (Hayami & Godo, 2005: 35). یکی از دلایل عمده نقص راهبردهای توسعه توسط نظام‌های سیاسی، ناتوانی در شناخت و توجه کافی به پیچیدگی مسائل اجتماعی و ارتباط آن با دیگر ابعاد کلیدی توسعه است (Hall & Midgley,)

17: 2004). لزوم توجه دولت‌ها به ویژگی‌های اجتماع در امر توسعه از آنجا ناشی می‌شود که برنامه‌های توسعه اقتصادی در حال توسعه، نباید تنها بر اساس ترکیب نظام بازار و دولت طراحی شوند، بلکه باید در آنها عامل اجتماع نیز تمهید شود (Saeedi, 2006: 248 & Bonyanian, 2006: 53). در این کشورها، ماهیت اجتماعی دولت‌ها - نیروها و طبقات اجتماعی تشکیل‌دهنده ساخت دولت - تأثیر مهمی بر توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی آنها دارند (Mossalanejad, 2015: 100). توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد؟ (Todaro, 2011: 60). امروزه برداشت‌هایی که از مؤلفه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی می‌شود از سمت تأمین قانونی خدمات اجتماعی فاصله گرفته و به تحلیل‌های کل‌نگر و جامع معیشتی نزدیک شده است. تحقق این اهداف مستلزم استقرار دولتی قدرتمند و فعالیت جامعه مدنی، بخش خصوصی و همکاری با نهادهای بین‌المللی توسعه است (Hall & Midgley, 2004: 16).

از حیث نظری، وفاق و شفافیت علمی درباره ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه اجتماعی و به تبع آن وجوه اجتماعی ساخت قدرت سیاسی که بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارند وجود ندارد. بر اساس یافته‌های نظری این تحقیق، مهم‌ترین مؤلفه‌های بُعد اجتماعی ساخت قدرت سیاسی که بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارند عبارت‌اند از سرمایه اجتماعی، فقر و توزیع و باز توزیع درآمد، حمایت و تأمین اجتماعی، ساخت اجتماعی جمعیت، رسانه و ارتباطات اجتماعی (جدول شماره ۶).

دولت به‌عنوان کارگزار اصلی و معمار توسعه اقتصادی، از طریق اعمال سیاست‌های اجتماعی بر این فرایندها تأثیر می‌گذارد (Paul, 2016: 1). دولت در جایگاه برآیند نیروهای فعال در ساخت قدرت سیاسی، از یک‌سو متناسب با ویژگی‌های اجتماعی ساخت قدرت به سیاست‌های توسعه‌ای ویژه‌ای گرایش دارد و از سوی دیگر، نتایج سیاست‌های توسعه اقتصادی، بر ساخت اجتماعی قدرت سیاسی دولت تأثیر می‌گذارد و از آن طریق سیاست‌گذاری اجتماعی را دستخوش تغییر می‌کند.

جدول شماره (۶): مؤلفه‌ها و شاخص‌های رابطه بُعد اجتماعی ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی (برآمده از مطالعه نظری و تحلیل پرسشنامه حوزه اجتماعی)

مؤلفه‌ها	شاخص	مؤلفه‌ها	شاخص
سرمایه اجتماعی	«اعتماد اجتماعی»	حمایت و تأمین اجتماعی	«رویکرد حکومت به نهادسازی علمی و آموزشی»
	«امنیت اجتماعی»		«سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی»
	«مشارکت اجتماعی و سیاسی»		«جهت‌گیری محتوا و متون آموزشی»
	«آگاهی و شناخت اجتماعی»		«بودجه و اعتبارات آموزشی»
	«انسجام اجتماعی و سیاسی»		«کارآمدی/نرخ بازدهی آموزش‌های عمومی و تخصصی»
	«استقرار نهاد‌های فراگیر و توسعه‌گرای اجتماعی»		«میزان مرگ‌ومیر اطفال»
ساخت اجتماعی جمعیت	«جمعیت فعال اقتصادی»	وجوه اجتماعی حکومت	«امید به زندگی در بدو تولد»
	«نرخ بیکاری»		«پوشش بیمه درمانی»
	«بار تکفل»		«پوشش خانوار بیمه‌ای غیردولتی»
	«نرخ باسوادی»		«ثبات سیاسی»
	«سیاست‌های جمعیتی حکومت»		«کنترل فساد»
	«تعدد قومیت و سیاست‌های قومی حکومت»		«دارای دولت بودن»
	«دین و مذهب»		«شکست اقتدار دولت»
	«طبقه اجتماعی»		«اضمحلال/ثبات نهادهای دموکراتیک»
	«ساختار اجتماعات (روستایی، شهری، عشایری)»		«پاسخگویی»
	«ساختار شغلی (کشاورزی، صنعت و خدمات)»		«اجماع سازی»
مؤلفه فقر و توزیع درآمد	«گروه‌های عمده/ساختار سنی»	حقوق اجتماعی (حقوق بشر و شهروندی)	«حاکمیت قانون»
	«تقسیم کار عادلانه اجتماعی»		«آزادی اقتصادی»
	«نسبت سهم درآمدی ۱۰ درصد ثروتمندترین خانوارها به ۱۰ درصد فقیرترین‌ها»		«آزادی اجتماعات و انجمن‌ها»
	«ضریب جینی»		

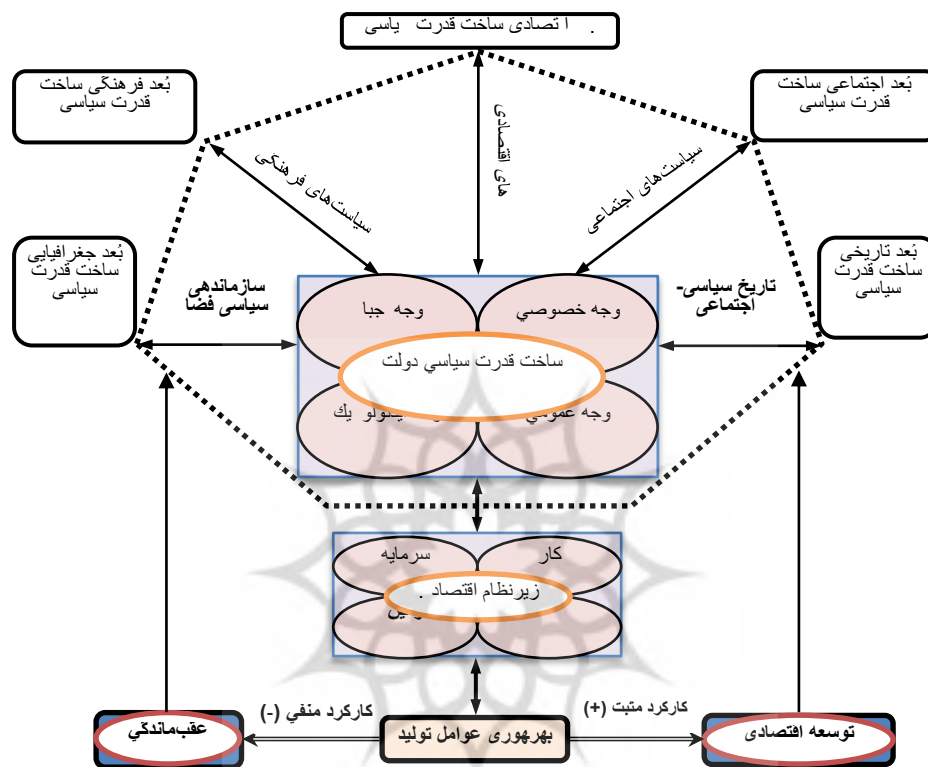
«آزادی بیان»		«رفاه اجتماعی»	
«انتخابات آزاد و منصفانه»		«آزادی رسانه‌های گروهی/مطبوعات»	رسانه و ارتباطات
«زندانی سیاسی»		«دسترسی عمومی به اطلاعات»	اجتماعی
		«ضریب نفوذ اینترنت»	

۵ نتیجه‌گیری

تمام کنش‌های اقتصادی بشر، از تأمین نیازهای اولیه زیستی برای بقا تا توسعه و رشد اقتصادی، تابع نحوه بهره‌برداری آن از عوامل اصلی تولید است. زمین (منابع طبیعی)، کار، سرمایه و سازمان‌دهی (مدیریت) را از عوامل اصلی تولید می‌دانند؛ بنابراین نظام اقتصادی جامعه، دربرگیرنده شبکه‌ای از فرایندها و فعالیت‌های انسانی است که هدف آن تلفیق کارای منابع اقتصادی یا عوامل تولید از طریق فناوری و دانش برای تولید کالا و خدمات موردنیاز بشر است. لذا، رشد نظام اقتصادی جامعه، در گرو انباشت بیشتر ثروت و پیشرفت فناوری است. ارتقای بهره‌وری و افزایش تولید نیز تابع ترکیب بهینه عوامل تولید یا همان «بهره‌وری عوامل اصلی تولید» است. هم تغییرات میزان و توزیع انباشت ثروت در جامعه که متأثر از ترکیب عوامل تولید است و هم تغییرات فناوری برای رشد اقتصادی، با سایر زیر نظام‌های نظام اجتماعی در کنش و واکنش متقابل است. به عبارت دیگر، نظامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی جامعه، از طریق تأثیر بر کیفیت بهره‌مندی از منابع یا همان بهره‌وری عوامل تولید، بر رشد و توسعه نظام اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

با توجه به مباحث یادشده، بخش اقتصادی، یک زیر نظام مهم جامعه تلقی می‌شود که در آن، میان فناوری و منابع -شامل منابع طبیعی، کار، سرمایه و سازمان‌دهی- تعامل برقرار می‌گردد. کسب، تثبیت و گسترش قدرت سیاسی، همواره تابع کیفیت بهره‌مندی ساخت قدرت سیاسی از زیر نظام اقتصادی جامعه است. اگر برآیند عوامل فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی ساخت قدرت سیاسی، در راستای ارتقای بهره‌وری از عوامل تولید در نظام اقتصادی جامعه عمل کنند؛ و منافع حاصل از تولید در جامعه به صورت عادلانه توزیع گردد، نوعی هم‌افزایی بین ساخت قدرت سیاسی و نظام اقتصادی جامعه برقرار می‌شود که چرخه

تکاملی گسترش نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر، آزاد و توسعه‌گرا را تشکیل و تداوم می‌بخشد (شکل شماره ۳).



شکل شماره (۳): مدل نظری رابطه ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی

هرچند که ابعاد و مؤلفه‌های مختلف ساخت قدرت سیاسی در جوامع پیچیده و درهم‌تنیده هستند؛ لیکن در این تحقیق هر یک از این ابعاد به صورت مجزا احصاء شد و شاخص‌های آن در رابطه با توسعه اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. لیکن نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه در پنج بُعد فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی مرتبط با ساخت قدرت سیاسی در توسعه اقتصادی تأثیرگذار هستند. از بین پنج بُعد مورد ارزیابی، به ترتیب ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی بیشترین اولویت را در ارتباط ساخت قدرت سیاسی و توسعه اقتصادی دارا هستند (جدول شماره ۷).

جدول شماره (۷): امتیازات کسب شده ابعاد ساخت قدرت سیاسی تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی

(ایران)

رتبه	میانگین	آماره ویلکاکسون	عنوان بُعد	متغیر
۱	۷۰	۳۷۸	تاریخی	ساخت قدرت سیاسی
۲	۶۷	۶۳۰	فرهنگی	
۳	۶۰	۶۳۰	اجتماعی	
۴	۵۷	۴۶۵	جغرافیایی	
۵	۵۱	۲۳۶	اقتصادی	

۶ تشکر و قدردانی

از هدایت و راهنمایی مؤثر استاد گران قدر جناب دکتر حافظ نیا و سایر اساتید ارجمندی که در تکمیل پرسشنامه مرا یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنم.

کتاب‌نامه

- 1- Abolhamd, A. (2004). *Principles of Politics*. Tehran, Toos Publication.
- 2- Academic Jihad of economics Faculty, Tehran Uni (2002) political regime Functions in development process in Dr. Azimi. Tehran: Organization for Management and Planning publication. [In Persian].
- 3- Amini, S. (2008). *Development; indicators and Indexes*. Tehran, Expediency Discernment Council. [In Persian].
- 4- Balavi, M., & Bayat K, M. (2014). The Sociological Foundations and Cultural Requirements of the State Development in the Iranian Society. *Organizational Culture Management*, (13), 289- 315. [In Persian].
- 5- Bashirieh, H. (2007). *Political Knowledge Training*. Tehran, Negah Moaser Institute. [In Persian].
- 6- Bazmohammadi, H., & Cheshmi, A. (2007). *Government Size in the Iranian Economy. Economic Research and Policy Department*. Central Bank of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].
- 7- Bonyanian, H. (2006). *Culture and Development*. Tehran, Amirkabir Publication. [In Persian].
- 8- Brouwer, M. (2016). *Governmental Forms and Economic Development; From Medieval to Modern Times*. Amsterdam: Springer International Publishing.

- 9- Delavari, A. (2006). Historical aspect of Development in Iran. *History and Geography books of Moom*, 138. 14- 19. [In Persian].
- 10- *Economist*, (2008). The economist in association with profile books ltd. Arbab, H. Tehran, Elmi Farhangi Institution. [In Persian].
- 11- Feiock, R. C., & Jae-Hoon, K. (2001). Form of Government, Administrative Organization, and Local Economic Development Policy. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 11(1), 50- 29.
- 12- Ferraz, C., & Finan, F., & Martinez-Bravo, M. (2020). *Political Power, Elite Control, and Long-Run Development: Evidence from Brazil* (No. w27456). National Bureau of Economic Research.
- 13- Hafeznia, M.R., & Kavyani Rad, M. (2009). *New Horizons in Political Geography*. Tehran, Samt.
- 14- Hafeznia, M.R., & Ghaderi Hajat, M., & Ahmadyur, Z. (2010). *Politics and Space Index Making in political Geography, Human Geography*, 72(42), 121- 134 [In Persian].
- 15- Hafzniya, M.R., & Kaviyanirad, M. (2014). *The Philosophy of Political Geography*. Tehran, Institute for Strategic Studies Publication. [In Persian].
- 16- Hagt, P. (1989). *A New Combination of Geography*. Translated by: Goudarzineghad, Sh. Tehran, Publication of Samt. [In Persian].
- 17- Hall, A. L., & Midgley, J. (2004). *Social policy for development*. Sage.
- 18- Hayami, Y., & Godo, Y. (2005). *Development economics: From the poverty to the wealth of nations*. Oxford University Press.
- 19- <http://monitoreconomy.ir>. (1394, 0621). Retrieved from nazer-e-eghtesad: <http://monitoreconomy.ir>. [In Persian].
- 20- *IFO Business Climate Index*. (2016, 0423). Retrieved from CESifo Group Munich: <https://www.cesifo-group.de>.
- 21- Kordzadeh Kermani, M. (2001). *Political Economy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran, International and Political Institute. [In Persian].
- 22- Mankiw, N. G. (2019). *Principles of economics*. Translated by Arbab, H. Tehran, Ney Publication. [In Persian].
- 23- Mojtahed, A., & Farzin, M. (2000). Analysis of Protection Structure in the Steel Industry of Iran. *Iranian Economic Research* 3(6), 85 - 116. [In Persian].
- 24- Moore, B. (2019). *Social origins of dictatorship and democracy: lord and peasant in the making of the modern world*. Translated by Naraghi, Y. Tehran, Farzan publication. [In Persian].
- 25- Mossalanejad, A. (2013). *policy making in power structure in iran*. Tehran, Tehran University Press and Publishing Institute. [In Persian].
- 26- Mossalanejad, A. (2015). *Government and Economic Development*. Tehran, Ney Publication. [In Persian].
- 27- Motevasseli, M. (2019). *Economic development*. Tehran, SAMT. [In Persian].

- 28- Nazarpour, M. T. (2007). *Values and Development*. Tehran, Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].
- 29- Nobakht, M. B. (2014). *Development componenets*. Tehran, Organization for Management and Planning publication. [In Persian].
- 30- Paul, S. (21016, 0907). *An introduction to Social Policy*. Retrieved from <http://www.spicker.uk>.
- 31- Pereira, C., & Teles, V. (2011). *Political Institutions, Economic Growth, and Democracy: The Substitute Effect*. Brookings.
- 32- Piketty, T. (2014). *Capital in the twenty century*. California, harvarduniversity press.
- 33- Przeworski, A. (2012). *Democracy and Economic Development*. Columbus, Ohio State University Press.
- 34- Saeedi, K.H. (2006). *Theories and regularities of development*. Tehran, Karafarinan farhang o Honar. [In Persian].
- 35- Sariolghalam, M. (2015). *Rationality and Iran's national development*. Tehran, Farzan Rooz. [In Persian].
- 36- Shakuie, H. (2007). *New trends in the philosophy of Geography (Volume II); Environmental philosophies and geographical schools*. Tehran, Gitashenasi Geographical & Cartographic Institute press. [In Persian].
- 37- Shakuie, H. (2008). *New trends in the philosophy of Geography*. Tehran, Gitashenasi Geographical & Cartographic Institute press. [In Persian].
- 38- Stutely, R., (1992). *The Economist guide to economic indicators: making sense of economics*. Century.
- 39- Sunna, C. (2016). *Development Economics in the Twenty-First Century*. New Yourk, Routledge.
- 40- Todaro, M. P. (2011). *Economic development in the third world*. Translated by Golamali Farjadi. Tehran, Koohsar Publication. [In Persian].
- 41- *World Data Bank*. (2015). Retrieved from the World Bank: <http://databank.worldbank.org>.
- 42- *Worldwide Governance Indicators*. (2016). Retrieved from the World Bank: <http://www.worldbank.org>.